

## رابطه هوش هیجانی و شناختی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

حسن سعیدی راد<sup>۱</sup>

عفت سادات ریاط جزی<sup>۲</sup>

محمد جمشیدی مقدم<sup>۳</sup>

علیرضا محمدی آریا<sup>۴</sup>

فاطمه لچینانی<sup>۵</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۷

تاریخ وصول: ۹۱/۷/۱۲

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی رابطه بین هوش هیجانی و هوش شناختی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه معلمان (زن و مرد) پایه پنجم ابتدایی شهرستان علی آباد کتول در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ بودند که ۷۵ نفر از آنها به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. ابزار مورد پژوهش شامل آزمون هوش هیجانی بار-ان برای ارزیابی هوش هیجانی، آزمون هوشی و کسلر برای اندازه گیری هوش شناختی و متوسط نمرات نیمسال دوم به منظور بررسی پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که معلم های آنها در دو آزمون هوش (وکسلر و بار-ان) شرکت کرده بودند، بود. نتایج نشان داد بین هوش هیجانی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد اما بین هوش شناختی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. در تبیین این نتایج می توان به اهمیت هوش هیجانی در محیط کار و تفاوت گروه نمونه حاضر با پژوهش های قبل اشاره کرد.

**کلیدواژه ها:** هوش هیجانی، هوش شناختی، پیشرفت تحصیلی.

۱- کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

۲- کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

۳- کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی

۴- گروه آموزشی پیش از دبستان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی (نویسنده مسئول) Mohammadiarya@yahoo.com

۵- کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی

## مقدمه

در آموزش و پرورش، نقش نیروی انسانی بسیار مهم است و معلم از مهمترین عوامل در رشد و توسعه کیفی تعلیم و تربیت به شمار می‌آید. معلمان هسته مرکزی دستگاه تعلیم و تربیت و مجریان حقیقی این امر حیاتی هستند و تأثیر آنها بر جامعه به اندازه‌ای زیاد است که می‌توان گفت سعادت مملکت در دست کسانی است که به تعلیم و تربیت فرزندان کشور اشتغال دارند. معلمان جزء افرادی هستند که به واسطه شغل خود از مواجه بیشتری با سایر افراد بویژه کودکان و نوجوانان در حال رشد برخوردارند (اسپکتور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). می‌توان گفت تربیت انسان نتیجه یک جریان متقابل و دوجانبه است. معلم رهبری است که با سعی خود محیطی به وجود می‌آورد که در آن دانش آموز موقعیتی برای یادگیری مطالب نو و تصحیح و تکمیل آموخته‌های ناقص و نادرست خود پیدا می‌کند (گلמן<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). امروزه کیفیت آموزش و برنامه‌های آموزشی دارای ارزش و اهمیت بالایی است. پیشرفت تحصیلی<sup>۳</sup> به عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت، تحت تأثیر ویژگی‌های فردی یادگیرنده و معلم و عوامل مربوط به نظام آموزشی مانند محیط، محتوای آموزشی، روش تدریس و مانند اینها است. در میان عوامل مؤثر، ویژگی‌های فردی آموزش‌دهنده و آموزش‌پذیر نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که مهم‌ترین این ویژگی‌ها، هوش دانش‌آموز و معلم است. وایزمن<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) معتقد است هوش در بردارنده تفکر است. هوش عبارت است از توانایی و قدرت استدلال، برنامه ریزی، حل مسأله، عقاید و یادگیری. ترمن هوش را ظرفیت فرد در تفکر انتزاعی می‌داند و پیرامون تعریف خود می‌نویسد فرد به همان نسبتی که قادر به تفکر انتزاعی است، هوشمند نیز است. هوش دارای انواع مختلفی است که از آن جمله می‌توان به هوش هیجانی<sup>۵</sup> و شناختی<sup>۶</sup> اشاره نمود. هوش هیجانی سازه‌ای است

- 
1. Spector
  2. Goleman
  3. educational developmental
  4. Wiseman
  5. emotional intelligence
  6. cognitive intelligence

که اولین بار توسط مه‌یر و سالووی وارد ادبیات روان‌شناسی شد. آنها هوش هیجانی را به عنوان توانایی دریافت دقیق، ارزیابی و بیان هیجانات، توانایی دستیابی به احساساتی که فکر را تسهیل می‌کند و شناسایی هیجان و تنظیم آن به منظور رشد عقلانی تعریف کردند (شامرادلو، ۱۳۸۳؛ مه‌یر و سالووی، ۱۹۹۷). هوش شناختی می‌کوشد بی‌آنکه به سایر جنبه‌های شخصیت و رفتار توجه کافی داشته باشد، استعداد افراد را برای درک، یادگیری، یادآوری، تفکر منطقی، حل مسئله و امثال آن تحت تأثیر قرار دهد. نظریه‌پردازان هوش هیجانی معتقدند که هوش شناختی به ما می‌گوید که چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ هوش شناختی شامل توانایی ما برای یادگیری، تفکر منطقی و تفکر انتزاعی است. در حالی که هوش هیجانی به ما می‌گوید که چگونه از هوش شناختی در جهت موفقیت در زندگی استفاده کنیم. هوش هیجانی شامل توانایی ما در جهت خودآگاهی هیجانی و اجتماعی است و مهارت‌های لازم در این حوزه‌ها را اندازه می‌گیرد (دی‌وزف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). همچنین شامل مهارت‌های لازم در شناخت احساسات خود و دیگران و مهارت‌های کافی در ایجاد روابط سالم با دیگران و حس مسئولیت‌پذیری در مقابل وظایف است (جهرمی، ۱۳۸۶). وایزمن (۲۰۰۵) معتقد است، هوش هیجانی شامل پتانسیل فرد برای ایجاد نتایج مثبت در ارتباط با خود و دیگران می‌باشد. وی بیان می‌کند این مهارت‌ها آموختنی بوده و موجب بوجود آمدن لذت، عشق و هر نوع موفقیتی در فرد می‌شود.

الگوهای موجود در زمینه هوش هیجانی عمدتاً به الگوی توانایی (مه‌یر، کاروسو و سالووی، ۱۹۹۹) و الگوی ترکیبی (بار-ان و پارکر، ۲۰۰۰) تقسیم می‌شوند. این الگوها اگر چه به لحاظ نظری چارچوب‌های متنوعی دارند اما در تضاد با یکدیگر نیستند و تنها، چشم‌اندازهای نسبتاً متفاوتی دارند. در الگوی توانایی، تأکید بر پردازش شناختی است ولی در الگوی ترکیبی، تأکید بر توانایی‌های هیجانی است (جوکار، ۱۳۸۶).

بار-ان هوش هیجانی را عامل مهمی در شکوفایی توانایی‌های افراد برای کسب موفقیت در زندگی تلقی می‌کند و آن را با سلامت روانی مرتبط می‌داند (الیاس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). بار-ان و پاکر در سال ۱۹۸۰ هوش هیجانی را مطرح کردند و به تدوین پرسشنامه هوش هیجانی پرداختند که براساس گزارش کمی آزمودنی پاسخ داده می‌شد و دارای ۵ عامل مرکب بود که هر کدام شامل ۳ مقیاس بود. عامل‌های این پرسشنامه عبارت بودند از ۱- هوش درون فردی ۲- هوش بین فردی ۳- قابلیت انطباق ۴- کنترل استرس ۵- خلق عمومی (بار-ان و پاکر، ۲۰۰۰).

گلمن (۱۹۹۸) بر این باور بود که اگر چه آموختن مهارت‌های عاطفی از محیط خانواده شروع می‌شود اما هنگامی که کودکان پای به مدرسه می‌گذارند معلم نیز نقش مهمی می‌تواند در پیشرفت همه جانبه آنها داشته باشد. می‌توان گفت ماهیت آموختن در محیط‌های آموزشی، اجتماعی است و موفق‌ترین آموزگاران کسانی هستند که موفق‌ترین شاگردان را تربیت کنند و در پیشرفت آنها سهم بسزایی داشته باشند. بنا به اعتقاد جهرمی (۱۳۸۶) مزایای هوش هیجانی در آموزش به خوبی مشخص گردیده است و بسیاری از معلمان به کاربرد نظریه‌های هوش هیجانی و شناختی در آموزش افراد توجه کرده‌اند. ویژگی‌های فردی آموزش‌دهنده و آموزش‌پذیر و نحوه بیان مطالب از سوی مربی و چگونگی فرایند یادگیری و یاددهی از عوامل موفقیت در آموزش محسوب می‌شوند. بنابراین تحقیقات متعددی در زمینه هوش هیجانی و شناختی دانش‌آموزان با متغیرهای گوناگونی مثل پیشرفت تحصیلی، سازگاری، رضایت شغلی و غیره انجام شده است اما مطالعه‌ای که رابطه هوش هیجانی و شناختی معلم را با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز مورد بررسی قرار دهد، در کشور صورت نگرفته بود. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا بین هوش هیجانی و شناختی معلم با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

## روش

شرکت کنندگان و طرح پژوهش: جامعه آماری شامل کلیه معلمان (زن و مرد) پایه پنجم ابتدایی و کلیه دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهرستان علی آباد کتول در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ بود. نمونه مورد نظر به صورت تصادفی ساده از جامعه آماری اول، ۷۵ معلم (۴۳ مرد و ۳۲ زن) و از جامعه آماری دوم، دانش آموزان معلمین منتخب شامل ۱۱۰۰ نفر (۵۰۰ دختر و ۶۰۰ پسر) انتخاب شدند. روش پژوهش حاضر همبستگی و طرح پژوهش از نوع مطالعات پیش‌بین است.

## ابزار

۱- پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان ۲- مقیاس و کسلر (کلامی و غیر کلامی) ۳- آزمون پیشرفت تحصیلی

## آزمون هوش هیجانی بار-ان

این آزمون در سال ۱۹۸۰ ساخته شد. در این سال مؤلف، مفهوم، تعریف و اندازه‌ای از هوش غیرشناختی را ارائه نمود. آزمون هوش هیجانی بار-ان دارای ۱۱۷ سؤال و ۱۵ مقیاس است که توسط بار-ان در شش کشور (آرژانتین، آلمان، آفریقای جنوبی، هند و نیجریه) اجرا شده است و به طور نظام‌دار در آمریکای شمالی هنجاریابی گردیده است. نتایج هنجاریابی در ایران نشان داده است که آزمون از اعتبار و روایی خوبی برخوردار است. در هنجاریابی سموعی از پرسشنامه ۱۱۷ سؤالی بار-ان تعداد سؤال‌ها پس از سه مرحله تحلیل به ۹۰ سؤال تقلیل یافت. پاسخ‌های آزمون بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای در طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. مقیاس‌ها عبارت بودند از ۱- خودآگاهی هیجانی ۲- خودابرازی ۳- عزت نفس ۴- خودشکوفایی ۵- استقلال ۶- همدلی ۷- مسئولیت-پذیری اجتماعی ۸- روابط بین فردی ۹- واقع‌گرایی ۱۰- انعطاف‌پذیری ۱۱- حل مسئله ۱۲- تحمل فشار روانی ۱۳- کنترل تکانش ۱۴- خوش‌بینی ۱۵- شادمانی (بار-ان و پارکر، ۲۰۰۰).

پایایی آزمون در پژوهش حاضر با روش آلفا کرونباخ  $0/91$  برآورد گردید. نحوه نمره‌گذاری به این صورت بود که گزینه‌ها بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شدند در برخی سؤال‌ها نمره‌گذاری از ۵ به ۱ (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) و در دیگر سؤال‌ها که محتوای منفی یا معکوس داشتند از ۱ به ۵ (کاملاً موافقم ۱ و کاملاً مخالفم ۵) انجام شد. نمره کل مقیاس برابر با مجموع نمرات هر یک از سؤالات آن مقیاس و نمره کل آزمون برابر با مجموع نمرات ۱۵ مقیاس است. کسب امتیاز بیشتر در این آزمون نشانگر موفقیت برتر فرد در مقیاس مورد نظر است (سموعی، ۱۳۸۰).

#### مقیاس وکسلر

مقیاس تجدیدنظر شده هوش وکسلر بزرگسالان ( $WAIS-R^1$ ) سه نمره مختلف هوشبهر (IQ) به دست می‌دهد. هوشبهر کلی، هوشبهر کلامی و هوشبهر عملی. هوشبهر کلامی و هوشبهر عملی از متوسط نمره‌های ۱۱ خرده‌آزمون به دست می‌آیند به این صورت که ۶ مقیاس کلامی عامل درک و فهم را می‌سنجند و ۵ مقیاس عملی توانایی‌های دیداری و فضایی را اندازه‌گیری می‌کنند. اگر چه مقیاس هوشی وکسلر دارای پاره‌ای محدودیت‌ها است اما به عنوان یکی از متداول‌ترین آزمون‌ها در موقعیت‌های مختلف خصوصاً بالینی به کار می‌رود و به صورت الگویی است که سایر ابزارهای سنجش نیز سعی بر آن دارند که از این الگو پیروی کنند (گری گراث و مارت، ۱۹۹۰، ترجمه شریفی و نیک‌خو، ۱۳۷۵). وکسلر (۱۹۸۱) گزارش کرد که اعتبار دو نیمه آزمون برای هوشبهر مقیاس کلی  $0/97$  برای هوشبهر مقیاس کلامی  $0/96$  و برای هوشبهر مقیاس عملی  $0/93$  است. پراکندگی ضرایب اعتبار خرده‌آزمونهای خاص به مراتب بیشتر بود (با میانهای برابر  $I=0/83$ ). به گونه‌ای که بالاترین اعتبار دو نیمه آزمون در مورد گنجینه لغات ( $0/96$ ) و پایین‌ترین آن برای الحاق قطعه‌ها ( $0/52$ ) گزارش شد (گری

گراث، ۱۹۹۰، ترجمه، شریفی و نیک خو، (۱۳۷۵). در پژوهش حاضر برای برآورد پایایی از روش آلفا کرونباخ ضریب ۰/۷۹ بدست آمد.

#### آزمون پیشرفت تحصیلی

به منظور مشخص شدن پیشرفت تحصیلی، نمرات کتبی دانش آموزان پایه پنجم که به صورت نهایی و هماهنگ در سطح شهرستان برگزار می شد و کمتر نظر معلم اعمال می شد جمع آوری گردید و متوسط نمرات کتبی هر دانش آموز به عنوان معیار پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد.

#### شیوه اجرا

پژوهشگران با هماهنگی مسولین اداره آموزش و پرورش و کارشناسان مسئول به این نتیجه رسیدند که برای سهولت و سرعت کار پژوهش، اجرای پرسشنامه ها در دو مرحله انجام شود. به این صورت که پژوهشگران ابتدا در کلاس های ضمن خدمت معلمان کلاس پنجم حاضر شدند و مقدمه ای از اهداف پژوهش به صورت ضمنی برای آنها شرح دادند. همچنین چگونگی نحوه پاسخ دهی به سؤالات را به طور مختصر بیان نمودند. سپس به منظور اجرای مقیاس هوش و کسلر یکی از اتاقهای دفتر آموزش ابتدایی اداره آموزش و پرورش در اختیار پژوهشگران قرار گرفت و سعی شد اتاق آزمون محیطی راحت و دور از استرس باشد تا به اعتبار و روایی آزمون خدشه ای وارد نشود. نهایتاً به منظور مشخص شدن پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نمرات کتبی تمام دانش آموزانی که معلمان آنها در این پژوهش شرکت کرده بودند مورد بررسی قرار گرفت.

## نتایج

در تجزیه و تحلیل اطلاعات ابتدا از شاخص‌های آمار توصیفی اعم از میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. سپس تحلیل داده‌ها به منظور پاسخگویی به سؤال‌های تحقیق در نظر گرفته شد. در ابتدا جهت نرمال بودن توزیع متغیرهای ملاک و پیش‌بین مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد نمرات هوشبهر، توزیع نرمال ندارند. بنابراین از لگاریتم داده‌ها استفاده شد. اما نمرات هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی از توزیع نرمال فاصله زیادی نداشتند. در جهت عدم هم‌خطی متغیرها نیز از لگاریتم اعداد به جای خود آنها استفاده شد، نرمال بودن خطاها نیز بررسی شد و صحت آن مورد تأیید قرار گرفت.

در بررسی سؤال اول پژوهشی تحت عنوان اینکه «آیا بین هوش هیجانی معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟» نتایج نشان داد ضریب همبستگی برابر  $0/610$  است که در سطح  $0/001$  معنادار است و چون سطح معناداری از  $0/01$  کمتر است این سؤال تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان گفت: بین هوش هیجانی معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در بررسی سؤال دوم پژوهش تحت عنوان اینکه «آیا بین هوش شناختی معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟» نتایج نشان داد ضریب همبستگی برابر  $0/152$  است که در سطح  $0/192$  معنادار است. چون سطح معنی‌داری از  $0/05$  بیشتر است بنابراین بین هوش شناختی معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

نهایتاً در بررسی سؤال سوم پژوهش، اینکه: «آیا بین هوش هیجانی و هوش شناختی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟» از دو متغیر پیش‌بین (هوش هیجانی و هوش شناختی) فقط یک متغیر (هوش هیجانی) در معادله پیش‌بینی سهم معنی‌داری داشت و در معادله باقی‌ماند، هوش شناختی سهم معناداری در معادله رگرسیون نداشته و وارد معادله نشد. مقدار  $R$  (ضریب رگرسیون چند متغیری) برای متغیر موجود در معادله برابر  $0/615$  به دست آمد و  $R^2$  (توان دوی ضریب رگرسیون چند متغیری) برابر  $0/379$  شد. یعنی متغیر موجود در



رابطه هوش هیجانی و شناختی معلمان با پیشرفت ... \_\_\_\_\_ ۵۹

معادله  $۳۷/۹$  درصد از واریانس متغیر ملاک (پیشرفت تحصیلی) را تبیین کرد و این درصد از واریانس، همان طور که در جدول ۱ نشان داده می شود به لحاظ آماری معنادار است. مقدار  $F$  برای این درصد از واریانس برابر  $۴۴/۴۷۷$  است که در سطح  $۰/۰۰۱$  معنادار است. پس نتیجه می گیریم که بین هوش هیجانی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان آنها رابطه وجود دارد.

جدول ۱. تحلیل واریانس رگرسیون

منابع تغییر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار $F$	سطح معنی داری
رگرسیون	$۰/۰۰۹$	۱	$۰/۰۰۹$	$۴۴/۴۷۷$	$۰/۰۰۱$
باقی مانده	$۰/۰۱۵$	۷۳	$۰/۰۰۰۲$		
جمع	$۰/۰۲۴$	۷۴			

لازم به ذکر است که بعد از حذف مقادیر دورافتاده، در معادله رگرسیون تغییری ایجاد نشد.

جدول ۲. ضرایب متغیرهای وارد شده و نشده در معادله رگرسیون را نشان می دهد، ضریب رگرسیون برای ثابت معادله برابر  $۰/۳۷۶$  است و برای هوش هیجانی برابر  $۰/۳۱۸$  است که در سطح  $۰/۰۰۱$  معنادار است. از آنجا که سطح معناداری برای این متغیر از  $۰/۰۱$  کمتر است، نشان دهنده این است که این متغیر در معادله پیش بین نیز سهم معناداری داشته و در معادله باقی می ماند. ضریب رگرسیون برای هوشبهر برابر  $۰/۰۳۴$  است که در سطح  $۰/۳۹۴$  معنادار است. از آنجا که سطح معنی داری برای این متغیر از  $۰/۰۵$  بیشتر است نشان دهنده این است که این متغیر در پیش بینی سهم معناداری ندارد و از معادله حذف می شود.

جدول ۲. ضرایب رگرسیون

متغیر	ضریب B	ضریب استاندارد $\beta$	آماره T	سطح معنی داری
ثابت معادله	۰/۳۷۶	-	۲/۷۳۴	۰/۰۰۸
هوشبهر	۰/۰۳۴	۰/۰۸۰	۰/۸۵۸	۰/۳۹۴
هوش هیجانی	۰/۳۱۸	۰/۶۰۲	۶/۴۲۸	۰/۰۰۱

بنابراین معادله رگرسیون به این صورت است: (۰/۳۱۸) هوش هیجانی + ۰/۳۷۶ = پیشرفت تحصیلی.

### بحث و نتیجه گیری

هوش به عنوان یکی از وجوه سازش یافتگی افراد با محیط و از عوامل مهم تفاوت‌های فردی به شمار می‌رود. برخی هوش را به عنوان ماهیتی واحد و برخی آن را واجد مؤلفه‌ها و مقوله‌های بی‌شماری می‌دانند (مه‌یر و سالوی، ۱۹۹۷؛ مه‌یر و همکاران، ۱۹۹۹). نتایج حاصل پرسش اول که آیا بین هوش هیجانی معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟ نشان داد که بین این دو متغیر (هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی) رابطه معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج برخی پژوهش‌ها در این زمینه همخوانی دارد. باران (۲۰۰۰)؛ دیژوزف (۲۰۰۲) و شامرادلو (۱۳۸۱) نشان دادند که هوش هیجانی مشخص‌کننده میزان موفقیت تحصیلی هستند و بیان کردند افرادی که دارای عملکرد تحصیلی موفق‌تری بودند نسبت به گروه دیگر از هوش هیجانی بالاتری برخوردار بودند اما تحقیقی یافت نشد که هوش هیجانی معلم را با عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز بسنجد ولی در پژوهش حاضر نیز مشاهده شد هوش هیجانی بالا در معلمان با پیشرفت تحصیلی بالا در دانش‌آموز رابطه دارد. در تبیین نتیجه پژوهش حاضر می‌توان به تأثیرات هوش هیجانی افراد در محیط کار اشاره کرد به این صورت که اهمیت یافتن هوش هیجانی در مهارت‌های کسب و کار باعث تغییراتی در محیط کار مثل اعطاء حق انتقاد سازنده، ایجاد فضایی که در آن تنوع و تفاوت نظر ارزش محسوب می‌شود و

رابطه هوش هیجانی و شناختی معلمان با پیشرفت ... \_\_\_\_\_ ۶۱

بالاخره ایجاد شبکه ارتباط مفید دانست که اینها همه به پیشرفت خود و اطرافیان کمک خواهد کرد. اما واتوزسکی و آلساما (۲۰۰۴) و باقرزاده (۱۳۸۴) عکس مطالب فوق را نشان دادند. آنان دریافتند هوش هیجانی نقش معناداری در موفقیت تحصیلی دانش آموزان ندارد.

در پرسش دوم پژوهش مبنی بر اینکه آیا بین هوش شناختی معلم و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟ نتیجه پژوهش نشان داد بین هوش شناختی معلم و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. این نتیجه با یافته شامرادلو (۱۳۸۳) همسو است. به این صورت که او نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین هوش هیجانی و شناختی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تفاوتی وجود ندارد. وی بیان کرد که هوش هیجانی نسبت به هوش شناختی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی از توان بیشتری برخوردار است.

در بررسی پرسش سوم پژوهش که آیا بین هوش هیجانی و هوش شناختی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟ از دو متغیر پیش بین (هوش هیجانی و هوش شناختی) فقط یک متغیر (هوش هیجانی) در معادله پیش بینی سهم معناداری داشت و در معادله باقی ماند، هوش شناختی سهم معناداری در معادله رگرسیون نداشت و وارد معادله نشد. نتایج ما در این سؤال با نتایج (شامرادلو، ۱۳۸۳؛ جهرمی، ۱۳۸۶ و جوکار، ۱۳۸۶) همسو است. با این تفاوت که جهرمی در پژوهش خود با هدف بررسی نقش هوش هیجانی و شناختی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش و عادی نتیجه گرفت که بین هر دو هوش (هیجانی و شناختی) با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد و دوم اینکه هر دو متغیر در هر دو پژوهش فقط بر روی گروه دانش آموزان اجراء شده است. بنابراین تبیین احتمالی علت متفاوت بودن برخی نتایج پژوهش حاضر با پژوهش های پیشین این است که گروه نمونه ما بررسی هوش هیجانی و شناختی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. در حالی که در پژوهش های غیر همسو، نمونه مورد بررسی دانش آموزان هستند. می توان گفت با توجه به یافته های این پژوهش لزوم داشتن هوش هیجانی در معلمان می تواند تأثیر زیادی در دانش آموزان از قبیل

پیشرفت تحصیلی آنها داشته باشد و همچنین با توجه به این که معلم‌ها می‌توانند الگوی سایر افراد جامعه (خصوصاً دانش‌آموزانشان) باشند و نیز با توجه به اهمیت هوش هیجانی در موفقیت‌های زندگی انجام این پژوهش در این افراد ضروری به نظر می‌رسد تا در صورت لزوم به آموزش این هوش در جهت ارتقاء میزان آن در این اقشار جامعه پرداخته شود. از جمله محدودیت‌های پژوهش این است که روش پژوهش همبستگی است و امکان تعیین روابط علت و معلولی نیست. علاوه بر آن جامعه آماری مورد مطالعه، پایه پنجم مقطع ابتدایی است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگر در مقاطع تحصیلی و معلمان دیگر رشته‌ها انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که روش‌های آزمایشی مورد استفاده قرار گیرد. از آنجا که رابطه بین هوش شناختی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در این پژوهش تأیید نشده است به دست اندرکاران آموزش و پرورش توصیه می‌شود از تأکید زیاد بر هوش شناختی و آزمون‌هایی مبتنی بر هوش شناختی بکاهند و در عوض بیشتر بر هوش هیجانی تأکید ورزند.

### منابع فارسی

باقرزاده گلمکانی، ز. (۱۳۸۴). بررسی رابطه هوش هیجانی با منابع استرس و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم.

سموعی، ر. (۱۳۷۹). آزمون هوش هیجانی بار-آن. تهران: موسسه تحقیقات علوم رفتاری سینا. شامرادلو، م. (۱۳۸۳). مقایسه نقش هوش هیجانی و هوش شناختی در پیش‌بینی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

جوکار، ب. (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی. دو فصلنامه روان‌شناسی معاصر، دوره دوم، شماره ۲.

- گری، گ و مارت، ج. (۱۳۷۵). *راهنمای سنجش روانی*، ترجمه حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیک‌خو. تهران: رشد.
- جهرمی، ف. (۱۳۸۶). *بررسی رابطه هوش هیجانی و شناختی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س).

### منابع لاتین

- Bar-on, R. (2000). Emotional and Social intelligence: Insights from the Emotional Quotient Inventory (EQ – I), In Bar-on, R & Parker, D. A. (Eds). *The hand book of emotional intelligence*. San Francisco, California: Jossey Bass.
- Bar-on, R. & Parker, J. D. A. (2000). *The hand book of emotional intelligence: theory, development, assessment, and application at home, school and in the work place*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Digiuseppe, B. R. T. (2002). *emotional intelligence and success in professional graduate programs in psychology*. Spain.
- Elias, M. J. (2001). How social and emotional learning is infused in to academics in the social decision making/social problem solving program. *The CEIC Review*, 10, 16-19.
- Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*. New York: Bantou.
- Mayer, I. D., Caruso, D. & Salovey, P. (1999). Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. 5, 341 -352
- Mayer, I. D. & Salovey, P. (1997). what is emotional intelligence? In P. *Educational implications*. 4, 13-30.
- Spector, P. (2000). *Indastrail an Organizational Psychology*. *Journal of social and clinical Psychology*, 24, 1030 – 1050.
- Wiseman, M. (2005). Your intelligence: IQ, EQ or SQ? available at: [http://www. Max wiseman.com](http://www.Maxwiseman.com)
- Woitaszewski, S, Aslsama .(2004). *Emotional Intelligence and Social Reticence of Post-Graduate Female Students*, *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology* 34 (1), 93-100.